

خویش کاری های پیامبرگونه قهرمانان در منظومه های پهلوانی

علی اصغر بشیری^۱

چکیده

نبردهای دینی از مهم ترین بخش های داستانی در منظومه های پهلوانی است. پهلوانانی همچون رستم، فرامرز، جهانگیر، سام، زرین قبا و حتی گرشاسب در بسیاری از موارد خویش کاری اصلی خود را نوعی رسالت پیامبرگونه می دانسته اند. در این جستار، منظور از خویش کاری پیامبرگونه به این صورت تعریف شده که قهرمانان منظومه های پهلوانی، یکی از مهم ترین وظایف خود را در این می دانسته اند که دین ایزدی را در میان دیگر ملل گسترش دهند. دینی هم که اینان قصد گسترش آن را دارند، بیشتر با عقاید اسلامی سازگار است. این نکته از این نظر مهم است که شخصیت های این داستان ها از نظر عنصر زمانی در داستان، مربوط به قبل از اسلام هستند و راویان و سرایندهگان این آثار در دوره اسلامی می زیسته اند. موضوعیت پژوهش نیز از همین جا شکل می گیرد که تا چه حدی عقاید دینی سرایندهگان این آثار بر این داستان ها سایه افکنده است. در این مقاله تعدادی از منظومه های پهلوانی پس از شاهنامه (کوش نامه، گرشاسب نامه، فرامرزنامه، سام نامه، جهانگیرنامه و زرین قبانامه) از منظر خویش کاری پیامبرگونه بررسی شده است. از رهگذر بررسی این منظومه ها، چنین به نظر می رسد که نگاه اسلامی شاعران به جنگ های دینی و غزوات در جامعه اسلامی بر این آثار حاکم شده و یکی از مهم ترین خویش کاری های

۱. دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر مستقل aliasgharebashiri@gmail.com

پهلوانان در این آثار، گسترش دین خدا دانسته شده است. این نگرش بیشتر در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه صدق می‌کند؛ چراکه در شاهنامه با وجود مطرح بودن نبردهای دینی گشتاسب و اسفندیار، انگیزه و نگرش‌های اعتقادی آن‌ها در گسترش یکتاپرستی، با مبانی اعتقادی پهلوانان منظومه‌های دیگر متفاوت است. نگاه شاعران منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه که همان نگاه اسلامی است، بر قهرمانان داستان‌هایشان اثر گذاشته و شاعران این آثار، مفاهیم ذهنی خود را از زبان قهرمانان داستان خود بیان کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: خویش‌کاری، پیامبرگونه، شاهنامه، رستم، سام‌نامه، جهانگیرنامه، زرین‌قبا‌نامه.

۱. تعریف مسئله

نبردهای دینی یکی از مهم‌ترین موضوعات داستان‌های حماسی است. در شاهنامه فردوسی با اینکه طرح بسیاری از داستان‌ها مبتنی بر انتقام یا دفاع از سرزمین است؛ اما پیرنگ نبردهای دینی که در آثار قبل از شاهنامه نیز وجود داشته، بر این اثر سایه افکنده است و نمی‌توان بخش‌های مهمی از شاهنامه را بدون توجه به این خصیصه کاوید.

نبردهای دینی در آثار پهلوی همچون یادگار زریران (یادگار زریران، ۱۳۹۲) نیز سابقه دارد و در حماسه ملی ایران نیز انعکاسی وسیع یافته است. موضوع نبردهای گشتاسب در منظومه دقیقی طوسی نیز بر پایه نبرد دینی استوار است و حتی نبردهای اسفندیار با ارجاسب نیز در شاهنامه تا حدودی جنبه دینی دارند. در برخی از منابع نیز، نبرد رستم و اسفندیار نبردی دینی دانسته شده است؛ ولی باید در نظر داشت که نبردهای دینی در منظومه‌هایی نظیر جهانگیرنامه، سام‌نامه و زرین‌قبانامه بیشتر با عقاید اسلامی سازگار است. حتی اگر منظور اصلی سرایندگان و سازندگان این منظومه‌ها، نبردهای دینی بوده باشد، می‌بایستی ساختار داستان‌ها با گشتاسب‌نامه یا شاهنامه هماهنگ می‌بود؛ ولی پهلوانان در این منظومه‌ها هدف اصلی مبارزه‌شان را گسترش دین یگانه‌پرستی در میان کافران می‌دانند که بیشتر با عقاید غازیان مسلمان سازگار است.

در دوره‌های بعد نوع خاصی از منظومه‌های حماسی با صبغه دینی و اسلامی در ادبیات حماسی پررنگ‌تر شد که در پژوهش‌های ادبی، با نام منظومه‌های حماسی دینی شناخته می‌شوند. آثاری مانند علی‌نامه، خاوران‌نامه، حمله‌نامه‌ها، خداوندنامه و... که بخش مهمی از پژوهش‌های ادب حماسی معمولاً به معرفی و شناخت این آثار اختصاص دارد. بخش‌هایی از منظومه‌های تاریخی مانند ظفرنامه و همایون‌نامه نیز گزارش نبردهای دینی است. موضوع نبردهای دینی در برخی از منظومه‌های پهلوانی نظیر سام‌نامه، فرامرنامه، جهانگیرنامه، زرین‌قبانامه و تا حدودی گرشاسب‌نامه هم

انعکاس یافته است. در منظومه‌های پهلوانی، طرح اصلی داستان‌ها مبتنی بر دفاع از میهن، قدرت‌نمایی یا انتقام‌گیری پهلوانان است؛ اما با توجه به این موضوع که نگرش‌های فکری آفرینندگان و سراینندگان این منظومه‌ها هم در این آثار تأثیر داشته، جهت کلی برخی از این داستان‌ها بر پایه نبردهای دینی بنا شده است.

این نقش پیامبرانه برای پهلوانان در این مقاله «خویش‌کاری پیامبرگونه» نامیده شده است. موضوع این خویش‌کاری مقدس برای پهلوانان، در منظومه‌های حماسی اولیه تا حدودی کم‌رنگ است و در دوره‌های متأخر پررنگ‌تر می‌شود؛ تا جایی که در بخش‌هایی از فرامرزنانه و بخش اعظم جهانگیرنامه، سام‌نامه و زرین‌قبا نامه، این موضوع دست‌مایه اصلی شاعران در سرودن و پرداختن داستانها محسوب می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش^۱

درباره وظایف پیامبرگونه قهرمانان یا خویش‌کاری پیامبرانه پهلوانان در منظومه‌های پهلوانی، تاکنون مقاله یا پژوهش مستقلی به نظر نیامد. شادروان محجوب در مقاله «درباره پدید آمدن حماسه دینی» (محجوب، ۱۳۸۶: ۱۲۴۴) اشاره کرده که در داستان‌ها با اینکه زمینه‌پیدایی آن‌ها پیش از اسلام است، پهلوانان وظیفه خود را رواج دین اسلام می‌دانند و در ادامه توضیح داده که منظور از این دین هر دین درستی مدنظر است (محجوب، ۱۳۸۶: ۱۲۴۴). در مقاله «چهره پیامبران در منظومه‌های پهلوانی» (بشیری و محمدی، ۱۳۹۴) به موضوع شخصیت‌های پیامبران الهی در منظومه‌های پهلوانی پرداخته شده یا به اشاراتی که این منظومه‌ها به زندگی و کردارهای پیامبران الهی داشته‌اند، توجه شده؛ اما درباره نبردهای دینی قهرمانان این داستان‌ها بحثی نشده است.

مقاله «رویکردهای مذهبی و بنیادهای ایدئولوژیک در سام‌نامه» به موضوع عناصر

۱. بخشی از این مقاله در پایان‌نامه دکتری نگارنده آمده که در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه بوعلی سینا دفاع شده است.

اسلامی در منظومه‌ی سام‌نامه پرداخته و در بخشی از آن به موضوع دعوت به یکتاپرستی قهرمان داستان نیز اشارت رفته است (حسن‌شاهی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۱-۴۰). در مقاله «بررسی عناصر دینی و اندیشه‌های عرفانی در حماسه‌ی جهانگیرنامه»، اندیشه‌های اسلامی در جهانگیرنامه بررسی شده و یکی از وجوه اسلامی بودن این اثر، دعوت به یکتاپرستی قهرمان داستان دانسته شده است (غفوری و امینی، ۱۳۹۳: ۳۰۳). جعفریان در بحثی که درباره‌ی قصه‌های ایرانی دارد، اشاره می‌کند که «از نظر محتوا بعضی از این داستان‌ها مانند داراب‌نامه طرطوسی از اساس غیردینی است؛ اما بسیاری از آن‌ها درباره‌ی برخی از شخصیت‌های دینی ساخته شده است. مرزهای موجود در برخی، کفر و ایمان و در برخی دیگر، در محور فعالیت اهل بیت (ع) بر ضد امویان یا عباسیان است» (جعفریان، ۱۴۰۰: ۱۸۳)؛ اما با وجود این اشارت که نبرد کفر و ایمان مبنای برخی از داستان‌هاست، تفصیل بیشتری در این مورد نداده و مباحث دیگر کتاب او، پیرامون قصه‌خوانان بوده که موضوع اصلی پژوهش وی نیز است. عابدی در ضمن برشمردن ویژگی‌های سام‌نامه می‌گوید که سام برای گسترش دین یزدان مبارزه می‌کند (عابدی: ۱۳۹۰). صفا در کتاب حماسه‌سرایی در ایران در داستان جهانگیرنامه، درباره‌ی موضوع دعوت رستم به یکتاپرستی در این منظومه سخن گفته و بیان می‌کند: «رستم به صورت کسی است که در راه توحید جهاد کند و همه جا برای شکستن لات و عزی بجنگد» (صفا، ۱۳۸۹: ۳۲۷). در ادامه نیز صفا اشاره می‌کند که موضوع دعوت به یکتاپرستی پهلوانان سیستان، در فرامرنامه و شهریارنامه نیز وجود دارد که باید گفت در شهریارنامه این موضوع مانند آثار دیگر نیست (مختاری، ۱۳۷۷). رزمجو در کتاب در قلمرو ادبیات حماسی، در بحث از جهانگیرنامه اشاره دارد که رستم در این اثر در نقش کسی که بالات و عزی مبارزه می‌کند، ظاهر شده و دعوت به یکتاپرستی می‌کند (رزمجو، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

۳. روش پژوهش

جستار حاضر هدفش این است که قهرمانان منظومه‌های پهلوانی را از منظر مسئولیتی که در قبال دعوت مردم به خداپرستی دارند، بررسی کند و این تعریف، خویش‌کاری پیامبرگونه قهرمانان دانسته شده است. مقاله حاضر به شیوه توصیفی و روش فیش‌برداری و کتابخانه‌ای نوشته شده است. در این مقاله منظومه‌های شاهنامه، گرشاسب‌نامه، کوش‌نامه، جهانگیرنامه، فرامرزنامه، سام‌نامه و زرین‌قبا‌نامه از منظر خویش‌کاری پیامبرگونه بررسی شده‌اند. نخست شاهنامه بررسی شد؛ چراکه بسیاری از منظومه‌های پهلوانی که پس از شاهنامه سروده شده‌اند، از منظر زبان ادبی و نوع روایت وام‌دار فردوسی و شاهنامه هستند. در بررسی منظومه‌های پهلوانی ابیاتی که متناسب با بحث بوده نیز آورده شده است.

در منظومه‌هایی مانند برزونا‌مه (عطاء بن یعقوب، ۱۳۹۲)، کک کوهزاد (کک کوهزاد، ۱۳۸۲)، آذربرزین‌نامه (آذربرزین‌نامه، ۱۴۰۰)، شهریارنامه (مختاری، ۱۳۷۷)، شبرنگ‌نامه (شبرنگ‌نامه، ۱۳۹۵)، هفت منظومه حماسی (بیژن‌نامه، کک کوهزاد‌نامه، بیر بیان، پتیاره، تهمینه‌نامه کوتاه، تهمینه‌نامه بلند و رزم‌نامه شکاوند) (هفت منظومه حماسی، ۱۳۹۴) و بانوگشسب‌نامه (بانوگشسب‌نامه، ۱۳۸۲) اشاره‌ای پررنگ به این خویش‌کاری پیامبرگونه وجود ندارد؛ بنابراین از بحث درباره این آثار صرف نظر شد.

به حماسه‌های تاریخی و دینی و حماسه‌های منشور یا طومارهای نقالی هم اشاراتی شد تا اندکی عرصه مقایسه برای خواننده فراچشم آید؛ اما از بحث عمیق در این آثار صرف نظر شد؛ زیرا موضوع این مقاله صرفاً منظومه‌های پهلوانی بود و بررسی آثار داستانی منشور مجال دیگری خواهد بود. در داستان‌هایی مانند حماسه مسیب‌نامه (طرسوسی، ۱۳۹۸) چون موضوع داستان در دوره اسلامی اتفاق می‌افتد و هدف داستان نیز غالباً در انتقام نهفته است، خویش‌کاری پیامبرگونه چندان برای پهلوانان این عرصه موضوعیت ندارد.

۴. خوبش‌کاری پیامبرانه در شاهنامه

در شاهنامه به طور گذرا به نام و داستان‌های تعدادی از پیامبران مانند زردشت و عیسی و پیامبر اسلام، اشاراتی شده است. در بخش شاهنامه دقیقاً (مشهور به گشتاسپ‌نامه) که هزار بیت آن در شاهنامه فردوسی آمده (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۷۶-۱۷۵)، مهمترین گزارش از نبردهای دینی آمده است. نبردهای گشتاسپ با ارجاسپ تورانی و دلآوری‌های زیر که پیش‌تر هم در منظومه یادگار زیران در متون پهلوی آمده بود، در این قسمت قرار می‌گیرد. اگر از این موارد که دعوت به خداپرستی مبنای اصلی شخصیت این پیامبران است بگذریم، اسفندیار مهم‌ترین قهرمان دینی بوده که کردارهای اورنگ دعوت دینی به خود گرفته و حتی در مناظرات خود با رستم نیز بر این موضوع صحنه نهاده است:

نخستین کمر بستم از بهر دین

تهی کردم از بت پرستان زمین

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۵: ۳۴۹)

درباره نبرد رستم و اسفندیار که برخی آن را دینی دانسته‌اند، باید گفت که این موضوع براساس قراین و شواهد تاریخی بوده و در شاهنامه اشاره مستقیمی به آن نشده است. از طرف دیگر، رستم برای قبولاندن دینی خاص به اسفندیار هیچ تلاشی نمی‌کند؛ آن‌چنان‌که در منظومه جهانگیرنامه با آن سر و کار داریم. اگرچه نجات خواهران، انتقام از ارجاسپ تورانی و در نهایت، تصاحب تاج و تخت شاهی، از مهم‌ترین انگیزه‌های اسفندیار است؛ اما موضوع دعوت مردم دیگر سرزمین‌ها به دین خدا چیزی بوده که بارها در شاهنامه و متون مرتبط با اسفندیار بدان اشاره شده است. در جامع‌التواریخ موضوع فراتر از شاهنامه مطرح شده و حتی گفته شده که اسفندیار پدر خود را نیز به دین یکتاپرستی فراخوانده و گشتاسپ به تبعیت از او به گسترش

دین یزدانی پرداخته است: «و بعد از آن ارشاد پدر کردم تا زمانی که دین خدای تعالی را منقاد شد و وسوسه‌های شیطانی از دلش برفت و به جد تمام سعی کرد تا تمام جهان را به نور ایمان آراسته گردانید و تا دامن قیامت آثار خیر او باقی است و تمام بتان را بشکست و بتخانه‌ها ویران کرد» (فضل‌الله همدانی، ۱۳۹۲: ۵۲۶).

۵. حماسه‌های تاریخی و دینی

مهم‌ترین منظومه تاریخی که در آن برای قهرمان داستان وظیفه پیامبری قائل شده، اسکندرنامه نظامی است. در این منظومه مفصل که به دو بخش اقبال‌نامه و شرف‌نامه تقسیم می‌شود، بخش دوم داستان اشاره به سفرهای اسکندر دارد که مردم دیگر سرزمین‌ها را به خداپرستی دعوت می‌کند و اصولاً نظامی در این بخش، برای اسکندر هاله‌ای از قداست و پیامبری قائل است. در اقبال‌نامه، نظامی به صراحت بخشی را به این موضوع اختصاص داده که اسکندر به پیغمبری رسیده و سروشی بر او نازل شده است:

سروش آمد از حضرت ایزدی

خبر دادش از خود در آن بی خودی...

طی این گفت‌وگو سروش رسالت پیغمبری اسکندر را به او می‌گوید و از او می‌خواهد که مردم را به راه راست هدایت کند؛ اما اسکندر می‌گوید که من نه معجزه‌ای و نه حجتی قوی دارم. سروش به او می‌گوید:

که حکم تو بر چارحد جهان

رونده است بر آشکار و نهان

(نظامی، ۱۳۱۷: ۱۳۵-۱۳۸)

در ظفرنامه حمدالله مستوفی (مستوفی، ۱۳۸۰) و همایون‌نامه حکیم زجاجی (زجاجی، ۱۳۸۳) که هر دو منظومه‌های تاریخی مفصلی هستند، بخش‌های مربوط به پیامبر اسلام (ص)، به‌طور کامل به همین بخش دعوت مردم به خداپرستی اختصاص دارد و از آنجایی که این قبیل آثار به لحاظ تاریخی انعکاس‌دهنده کردارهای قهرمانان خود هستند، از ورود بدان پرهیز می‌شود. منظومه زراثشت‌نامه (بهرام پژدو، ۱۳۳۸) یا شاهین تورات نیز که از منظر تاریخی گزارش‌هایی در دعوت به خداپرستی است، هر کدام چنین موضعی دارند.

در منظومه غازان‌نامه، برای شخصیت غازان رسالت پیامبرانه تعریف نشده؛ اما بحث دعوت به دین اسلام در این داستان از بخش‌های مهم آن است. غازان در بخش‌های نخست داستان به دست شیخ صدرالدین حموی به دین اسلام دعوت شده و مسلمان می‌شود (نوری اژدری، ۱۳۸۰: ۱۱۲-۱۱۵).

در منظومه رستم‌نامه، رستم پس از نبرد با امام علی (ع) و شکست از وی، به دعوت آن امام مسلمان می‌شود (رستم‌نامه، ۱۳۸۷: ۲۰). در منظومه خاوران‌نامه، یکی از کردارهای مهم امام علی (ع) در سرزمین مغرب علاوه بر نجات یارانش و مبارزه با دشمنان، دعوت آنان به دین اسلام است (خوسفی، ۱۳۸۲). در علی‌نامه و حمله‌نامه‌های باذل و راجی (ربیع، ۱۳۹۰ و راجی، ۱۳۸۰ و باذل مشهدی، ۱۳۳۶) نیز که مربوط به دوران اسلامی است و بیشتر وجهه تاریخی دارند، امام علی (ع) شخصیت داستانی مسلمان است و از دینی که پیامبر آورده دفاع می‌کند؛ برخلاف شخصیت‌هایی مانند رستم و سام و ... که مسلمان نیستند.

۶. نبردهای دینی در داستان‌های حماسی منثور و متون نقلی

تمرکز مقاله حاضر بر منظومه‌های پهلوانی استوار است؛ اما با این حال اشاره‌ای

به موضوع نبردهای دینی در داستان‌های حماسی منشور ضروری می‌نماید؛ زیرا در برخی از این آثار ممکن است اعمالی از قهرمانان سر بزند که نوعی خویش‌کاری پیامبرگونه برای قهرمانان را فریاد می‌آورد. برای نمونه، حماسه منشور بطلال غازی شایان ذکر است. در این داستان بطلال که یکی از سرداران اسلام است، برای گسترش دین اسلام به نبرد با صلیبیون می‌پردازد و تقریباً بخش عمده داستان بطلال‌نامه و قهرمانان آن در همین زمینه موضوعیت دارد (برای نمونه رک: ابومخنف، ۱۳۹۶: ۱۶۰). در داستان‌های امیرحمزه نیز خویش‌کاری پیامبرگونه وجود دارد. برای نمونه، در یکی از روایت‌های داستان حمزه به نام امیرحمزه صاحب‌قران، یکی از کردارهای عمرو امیه و حمزه این است که وارد بتخانه می‌شوند و همه بت‌ها را می‌شکنند و در اعتراض عبدالمطلب و مردم می‌گویند که مردم بت‌های ساخته دست خود را به جای خدا می‌پرستند (امیرحمزه صاحب‌قران، ۱۳۹۴: ۲۹). در داستان قران حبشی، نیز قران علاوه بر چهره‌ای جنگاور و عیار، همچون بسیاری از داستان‌های حماسی دیگر، وجهی دینی و مقدس نیز دارد و گاهی کارهایی از او سر می‌زند که در زمره اعجازها و کارهای پیامبرگونه است. برای نمونه در بخشی از داستان، او دیوان و پریانی را از بند می‌رهاند که سلیمان نبی سیصد سال قبل آنان را طلسم کرده و در بند نهاده بود و با نام اعظمی که قران به همراه داشت، آنان را از بند رهاوند (طرسوسی، ۱۳۹۵: ۶۸۰-۶۸۹). در سمک عیار دعوت قهرمانان به خداپرستی نمود چندانی ندارد؛ چراکه در این اثر بیشتر موضوعات با صبغه عیاری در داستان برجسته است و غالب اتفاقات، پیرامون ربودن شخصیت‌های داستان، نبردها و تعقیب و گریزهای مکرر است (سمک عیار، ۱۳۶۲). در بسیاری از داستان‌های منشور دیگر ممکن است بتوان قهرمانانی یافت که کار اصلی‌شان در کنار نبرد با دشمنان، دعوت مردم و دشمنان به دین الهی است.

خط اصلی داستانی در طومارهای نقالی غالباً مبتنی بر کنش‌های سریع قهرمانان در میدان‌های جنگ است و مباحث مناظرات دینی و دعوت به خداپرستی که

معمولاً نیاز به تأملات نویسندگان و شاعران دارد، در این قبیل آثار چندان محل توجه نیست (مشکین، ۱۳۸۶؛ حسینی، ۱۳۸۰؛ صداقت‌نژاد، ۱۳۷۴؛ نایگلی، ۱۳۹۶؛ نشر نقالی شاهنامه، ۱۳۹۴ و هفت‌لشکر، ۱۳۷۷). از آنجایی که برخی از این طومارها در واقع نوعی بازآفرینی داستان‌های منظوم نیز هستند (و عکس آن نیز صادق است؛ یعنی منظومه‌های پهلوانی به نوعی انعکاس وقایع طومارها نیز می‌توانند باشند)؛ بنابراین در این طومارها اگر هم اشاراتی به موضوع نقش‌های پیامبرگونه پهلوانان باشد، در واقع صورت مختصر یا گسترش یافته داستان منظوم است.

۷. جنگ‌های دینی در منظومه‌های پهلوانی

آنچه در منظومه‌های پهلوانی به نام نبردهای دینی معرفی شده، در واقع جنگ‌هایی است که پهلوانان این منظومه‌ها به قصد گسترش دین الهی با کافران دارند. فهم موضوع غزو یا غزوات در شناخت دقیق‌تر این قبیل داستان‌ها یاریگر است. یکی از مضامین اصلی اعتقادی در اسلام، جهاد در راه خدا برای گسترش دین اسلام است که در اصطلاح دینی غزو نامیده می‌شود؛ «غزوه یا غزو از مصدر غزا، در لغت به معنای جنگیدن در سرزمین دشمن می‌باشد» (رضایی، ۱۳۹۱: ۸۷).

بخش‌های بسیار مهمی از بسیاری از کتاب‌های تاریخی به غزوات یا سریه‌های پیامبر^(ص) اختصاص یافته است و خیلی از کتب دیگر هم نبردهای دینی یا غزوات دیگر شاهان یا سرداران بزرگ را گزارش کرده‌اند. کتاب‌های تخصصی بسیاری نیز در شرح غزوات پیامبر^(ص) و امام علی^(ع) و دیگر چهره‌های شاخص اسلام نوشته شده است.

در منظومه‌های پهلوانی، بسیاری از پهلوانان زمانی که به سرزمین دشمن وارد شده یا با دشمنی مواجه می‌شوند، گویی این موضوع برای آن‌ها حتمی است که ابتدا آنان را به راه راست و خداپرستی هدایت کنند و اگر قبول نکردند، با آنان وارد جنگ شوند. در

اولین دیدار پهلوان از سرزمین بیگانه، پرسش از خداشناسی است؛ گویی این پرسش، رسمی ویژه برای این قبیل پهلوانان است (برای نمونه رک: سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۳۶۱).

یکی از وجوه قائل شدن به خویش‌کاری‌های پیامبرگونه برای پهلوانان، در مناظره‌های دینی نمود پیدا می‌کند. در آثاری همچون گرشاسب‌نامه و فرامرزنامه موارد متعددی وجود دارد که پهلوانان با برخی از سران مذاهب به مناظره‌های دینی می‌پردازند. هدف اصلی پهلوانان از این مناظره‌ها، چیره شدن بر اعتقادات طرف مقابل است تا او را به راه راست دعوت کنند. در واقع در این آثار، پهلوانان در نقش همان غازیان دین ظاهر می‌شوند و با کمی دقت در متن گفت‌وگوهای آنان، دریافته می‌شود که سخنانی که از زبان پهلوانان بیان می‌شود، همان اعتقادات دینی و اسلامی بوده که در ذهن و ضمیر سراینندگان این آثار است. برای نمونه به این ابیات در جهانگیرنامه دقت شود: زمانی که رستم در سرزمین جمهورشاه به تبلیغ خداپرستی می‌پردازد و از گفتار او مشخص است که خدایی که قصد تبلیغش را دارد، همان خدایی است که در فرهنگ اسلامی وجود دارد:

بیرسوی جمهور از من پیام
 بگویی که ای مرد با کام و نام،
 شنیدم گرفتی پی گمرهان
 به ایزدپرستان شدی بدگمان
 رخ از قبله صدق برتافتی
 سوی وادی جهل بشتافتی
 نهادی به ملک ضلالت قدم
 بتی چند را ساختی محترم
 پرستش نکردی خداوند را
 خداوند خواندی بتی چند را

خدای جهان را پرستش نمای

که او بندگان را بود رهنمای

جز او را خداوند عالم مدان

به یکتایی او گرو بی‌گمان

(قاسم مادح، ۱۳۸۰: ۴۷)

و در ادامه نیز حتی مشخص می‌شود بت‌هایی که آن‌ها ستایش می‌کنند، لات و منات نام دارند که با بت‌های جاهلی لات و عزری وجه مشترکی نیز در نام دارند:

بدو گفت: ای کافر بی‌ثبات

بگرد از ره کفر و لات و منات

بشو صادق و راه حق درپذیر

که نبود کسی غیر حق دستگیر

(همان: ۵۸)

۸. نمودهای خوبش‌کاری‌های پیامبرانه برای پهلوانان

قهرمانانی که در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه نقش پیامبرانه بر عهده گرفته‌اند، بدین قرارند:

۸-۱. گرشاسب در منظومه گرشاسب‌نامه

گرشاسب در سرزمین فغفور، بت‌خانه‌های بسیاری می‌بیند؛ به خصوص بتی خاص که پیری نگهبان اوست. گرشاسب از پیر درباره بت می‌پرسد و پیر:

به پاسخ چنان گفت پیر آن زمان

که هست این خدای آمده زآسمان

(اسدی طوسی، ۱۳۸۹: ۳۵۳)

گرشاسب عصبانی شده و با پیر وارد مناظره می‌شود و به استدلال درباره‌ی خداپرستی می‌پردازد و او را به خداپرستی فرامی‌خواند. بسیاری از افراد هم دین او را می‌پذیرند:

به پیغمبرش بگروی هر که هست
 نیاویزی از شاخ بیداد دست
 بدانی که انگیز شست و شمار
 همیدون به پول چنیود گذار
 عنان سخن هر کسی کاو بتافت
 سر رشته پاسخش کس نیافت
 بمانند خیره دل از پیش اوی
 گرفتند بسیار کس کیش اوی

(اسدی طوسی، ۱۳۸۹: ۳۵۴)

شاید همین بخش از شخصیت گرشاسب، در متون ماقبل خود نیز سابقه داشته باشد؛ زیرا گرشاسب یکی از چهره‌های برجسته در دین زردشت محسوب می‌گردد (سرکاراتی، ۱۳۷۶: ۱۷).

۸-۲. کوش نخست و کوش پیل دندان در منظومه کوش نامه

داستان کوش نامه از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست که داستان شخصیتی به نام کوش است که خود را سرتازیان می‌داند و بخش دوم که داستان اصلی کوش است که همان پیل دندان است (ایران‌شان، ۱۳۷۷: ۵۵). جالب است که رسالت دعوت به خدا در داستان هر دو شخصیت کوش در هر دو بخش منظومه وجود دارد.

۸-۲-۱. کوش در بخش اول داستان

کوش نخستین که داعیه دانش‌پرستی نیز دارد، مانوش را به خداپرستی دعوت می‌کند و مانوش هم دین او می‌پذیرد:

به نزدیک مانوش سالار روم
 سر مرزبانان آن مرز و بوم
 سپاس از خداوند کیوان و هور
 که او داد فیروزی و فتر و زور
 بدان تا بدان را ز بن برکنیم
 تن بت پرستان به خاک افکنیم
 بتان را همه زیر پای آوریم
 ره پاک یزدان به جای آوریم

(همان: ۱۶۳)

۸-۲-۲. کوش پیل‌دندان در بخش دوم داستان

در بخش دوم داستان، کوش پیل‌دندان پس از آنکه جنایت‌های فراوانی انجام می‌دهد، در پایان داستان به دست پیری فرزانه توبه می‌کند و آن پیر، علاوه بر آنکه چهره کوش را جراحی می‌کند و او را شبیه انسان‌ها درمی‌آورد، او را به راه راست نیز هدایت می‌کند. کوش سال‌ها از محضر این پیر که بعدها مشخص می‌شود از خاندان جمشید است، بهره می‌برد و علم و خرد می‌آموزد. سپس به کشور خود برمی‌گردد و چنان در دین و ایمان خود به مقام بالایی می‌رسد که حتی مردم را هم به خداپرستی دعوت می‌کند:

چنین گفت پس بر سرانجمن

که از زبردستان ما مرد و زن

نخستین به یزدان نیایش کنید
 پس آن‌گاه ما را ستایش کنید
 که او کردگار است و من شهریار
 مرا و شما را بدوی است کار
 شدند آن همه کشور ایزدپرست
 جهان از کف دیو وارون بجست
 ز شاهان و از مردم لشکری
 همان نامه آمد به فرمان‌بری

(همان: ۶۷۶)

اهمیت موضوع خویش‌کاری پیامبرانه در منظومه‌های پهلوانی تا بدان جایی است که شخصیتی مانند کوش با اینکه ستم‌های بسیاری روا می‌دارد. حتی چهار بار خود را خدای جهان می‌داند و مردم را به پرستش خود می‌خواند (ایران‌شان، ۱۳۷۷: ۴۰۴ و ۵۰۷ و ۵۹۷ و ۶۶۲)؛ اما باز پس از تحول او به شخصیتی نیکو، این رسالت را برای او قایل می‌شوند که دیگران را به خداپرستی دعوت کند و چنین بن‌مایه مهمی که برای دیگر قهرمانان منظومه‌های پهلوانی در نظر گرفته شده برای او نیز حفظ شود.

۸-۳. سام در منظومهٔ سام‌نامه

از مهم‌ترین شخصیت‌هایی که وظیفهٔ خود را گسترش دین ایزدی می‌داند، سام در منظومهٔ سام‌نامه است. سام در حین سفر خود برای نجات معشوقه‌اش پریدخت، سر‌راهش به شداد برمی‌خورد که ادعای خدایی دارد و بسیاری از مردم را به پرستش خود فراخوانده است. سام با شداد مبارزه می‌کند و داستان به‌گونه‌ای نقل می‌شود که گویی هدف اصلی، شداد است و پریدخت خیلی مهم نیست. سام ابتدا دوزخ

شداد را خراب می‌کند و تلاش دارد که او را به خداپرستی هدایت کند. در این بخش گاهی اوقات به نظر می‌رسد که بعد پهلوانی و عاشق‌پیشگی سام کم‌رنگ می‌شود و بعد پیامبرگونه‌گی او پررنگ‌تر می‌گردد. سام تلاش دارد که بسیاری از اطرافیان شداد را به خداپرستی دعوت کند. نخست به رهداردیو هشدار می‌دهد که خدا یکی است:

که یزدان گیتی یکی دان و بس

جز او نیست جاوید در دهر کس

(سام‌نامه، ۱۳۹۲: ۳۰۲)

سام در جزیره سگساران، کلاب را به خداپرستی دعوت می‌کند (همان: ۳۱۹). او برای تأیید کار خود بارها به مناظره‌های دینی دست می‌زند (همان: ۳۶۳ و ۳۷۵ و ۳۸۶). جالب است که در بخشی از داستان، شداد زرینه‌بال را که نقش جبرئیل برای او دارد، نزد سام می‌فرستد تا سام را به مقام پیامبری خود برساند؛ زرینه‌بال نزد سام می‌آید و به او می‌گوید:

به هر کس که من آمدم ناگهان

سرافراز گردید اندر جهان

به پیغمبری نام او شد بلند

بر تخت شداد شد ارجمند

(همان: ۳۶۱)

و در ادامه از قول شداد به او می‌گوید:

اگر تو بیایی به نزدیک من

همان پیش‌گردان این انجمن،

ستایش نمایی مرا در جهان

سرافراز گردی میان مهان،

کنم نام، پیغمبر مرسلت

اگر راست سازی زبان با دلت

کنی بر سر سروران سروری

پرستش کنندت به پیغمبری

(همان: ۳۶۲)

اما سام نه تنها پیشنهاد شداد را نمی‌پذیرد که حتی شروع به ارشاد زرینه‌بال می‌نماید:

بخندید از آن گفته سالار سام

که ای کافر گمره تیره‌کام،

از این ژاژخایی یکی بازگرد

به یزدان دارنده دمسازگرد

(همان، همان‌جا)

سپس سام پیشنهاد مبارزه به زرینه‌بال می‌دهد و با او شرط می‌بندد که اگر من شکست خوردم، شداد را پرستش می‌کنم و اگر تو شکست خوردی، باید به خدای من ایمان بیاوری (همان: ۳۶۳). سپس با هم مبارزه می‌کنند و زرینه‌بال شکست می‌خورد و چون دین خدا را نمی‌پذیرد، سام او را می‌کشد. این ساختار دعوت به پرستش خدا از این بخش داستان به بعد، تبدیل به مهم‌ترین موضوع داستان می‌شود. سام سپس شدید پسر شداد را به خداپرستی دعوت می‌کند:

بپیچان سرت را ز فرمان دیو

پرستش نما پیش یزدان خدیو

(همان: ۳۷۲)

خشاش دیو (همان: ۳۸۶) و سپس، لجاج دیو (همان: ۳۹۴) از دیگر کسانی هستند که سام آنان را به خداپرستی دعوت می‌کند. جالب اینکه در نبرد با عوج که هیولایی عظیم‌الجثه است، به او می‌گوید:

بدین قد و بالا ندانی خدای

بسی غره‌گشتی بدین دست و پای

(همان: ۴۷۹)

در سام‌نامه، کوش، شاه نیمه‌تنان و ابلیس پرست است و سام، یکی از نیمه‌تنان را به خداپرستی دعوت می‌کند و بعدها سام با کوش مبارزه می‌کند و او را می‌کشد (همان: ۳۲۳). در این منظومه، سام گویی پیامبری است که فقط باید دیگران را به راه راست هدایت کند. البته با توجه به اینکه سرنوشت عوج و شداد در متون دینی به‌گونه‌ای دیگر است، سام پس از شکست عوج و شداد (و نه کشتن آن‌ها)، به سمت پریدخت می‌رود و او را نجات می‌دهد و با او ازدواج می‌کند.

۴-۸. رستم و جهانگیر در منظومه جهانگیرنامه

در منظومه جهانگیرنامه، دو شخصیت اصلی داستان یعنی رستم و جهانگیر، هر دو خوبش‌کاری پیامبرگونه دارند؛ به این ترتیب که هم رستم و هم جهانگیر در طی سفرها و نبردهای خود، کافران و دشمنان را به دین خدا فرامی‌خوانند.

۱-۴-۸. رستم در منظومه جهانگیرنامه

چهره رستم در شاهنامه فردوسی با چهره رستم در منظومه‌های متأخر بسیار متفاوت است. در شاهنامه رستم پهلوانی است که برای ایران یا برای آرمان‌های خاص خود مبارزه می‌کند. گاهی برای کین‌کشی مثل کین سیاوش؛ گاهی برای نجات کاووس شاه

از دست شاه مازندران یا از دست شاه هاماوران؛ گاهی برای دفاع از ایران، مثل نبرد با سهراب که ناشناسانه او را می‌کشد؛ گاهی برای نجات شخصی خاص، مثل نجات بیژن و گاهی هم برای دفاع از نام، مانند نبرد با اسفندیار. البته نبرد ماجراجویانه هم در کار رستم وجود دارد، مثل نبرد هفت گردان که خالقی مطلق آن را نبردی ماجراجویانه می‌داند (خالقی مطلق، ۱۳۹۳: سی و هفت)؛ ولی با این وجود، نبردهای رستم در شاهنامه جنبه دینی ندارند و منظور آن‌ها این نیست که رستم برای گسترش دین خداپرستی، خود شخصاً اقدام به کاری کند؛ اما در منظومه جهانگیرنامه، رستم دست به چنین کاری می‌زند و به گسترش دین خداپرستی می‌پردازد:

چو رستم از اولات و عزّی شنود

بگفتا بدین سان حکایت چه بود

سخن دیگر از لات و عزّی مگوی

نگهدار در نزد من آبروی

به عزّی و لات اعتقاد تو چیست

نگه کن که اندر نهاد تو چیست

خدای جهان را بخوان ای پسر

که جز او نباشد خدایی دگر

بیا بنده شو آفریننده را

که دانا و بینا کند بنده را

مدار فلک‌ها به فرمان اوست

جهان سربه سر سفره خوان اوست

(قاسم مادح، ۱۳۸۰: ۳۵)

او حتی در این راه به سخت‌ترین راه‌ها نیز متوسل می‌شود:

ز شمشیر من یابد آن کس امان
 که بندد به یزدان پرستی میان
 وگر سرکشد، سرکنم از تنش
 به خون غرقه سازم تن ریمنش
 بزرگان شنیدند چون این سخن
 ستایش گرفتند بر پیلتن
 بگفتند یک سر که ای نامور
 پرستش نسازیم بت را دگر

(همان: ۶۰)

رستم پس از اینکه سرزمینی را از بت پرستی نجات داد، نام آن سرزمین را هم از نام
 کفرآلود عوض می‌کند:

تهمت‌ن چنین گفت نبود روا
 که این را بود نام لات و عزی
 به ایرانی‌آباد نامش نهاد
 یل پیلتن انتظامش نهاد

(همان: ۶۱)

رستم در نامه‌ای که به دلبر مغربی می‌نویسد، می‌گوید:

رخ از ما مگردان اگر عاقلی
 بگردان دلت از ره جاهلی

ز بت رخ بتاب و ره حق پذیر

ستایش نما بر خدای قدیر

اگر گفته من نیاری به جای

بمانی به رنج و عذاب خدای

(همان: ۳۰۹)

پس از آنکه رستم شهر مغرب را تسخیر می‌کند؛

طلب کرد آن‌گه بزرگان شهر

کسی را که بود اندر آن شهر بهر

بدیشان ره راست بنمود و گفت

که ما را خدایی ست بی یار و جفت

بدانید او را خداوند خویش

ره ایزد پاک گیرید پیش

(همان: ۳۱۷)

رستم حتی زمانی هم که همه کشور مغرب را تصرف می‌کند، دوست دارد مردم و

شاهان سرزمین‌های دیگر را هم به خداپرستی دعوت کند (همان: ۳۳۳).

۸-۴-۲. جهانگیر در جهانگیرنامه

شخصیت جهانگیر در منظومه جهانگیرنامه نیز دوست دارد همه را به راه خداپرستی دعوت کند؛ گویی تنها انگیزه او از نبردهایش صرفاً جنگ در راه گسترش دین خداست.

شاعر حتی در اولین نبردهای جهانگیر، دشمنان او را کافران می‌نامد:

به قصد جهانگیر یل کافران

به میدان شدند از کران تا کران

(همان: ۱۹۹)

جهانگیر راه سعادت دشمنان خود را دوری از بت پرستی می‌داند:

جهانگیر گفت: ای خرف گشته مرد

به هرزه چه گویی سخن‌های سرد؟

چه دانی که بر سر چه آید تورا

چه بینی در این کهنه محنت سرا؟

اگر نام خواهی و بخت بلند

منه در ره بت پرستی قدم

(همان: ۲۰۷)

در نبرد سقلاب شاه بربری، به او می‌گوید:

شود چون سعادت به من رهنمون

بتان را ز بتخانه سازم نگون

ره دین حق آشکارا کنم

ازین جای آهنگ دریا کنم

(همان: ۲۳۹)

جهانگیر، بهرام، برادرزاده سقلاب شاه بربری را به دین حق فرامی‌خواند و او نیز در نهایت، دین حق را پذیرا می‌شود؛ یعنی جهانگیر صرفاً با قدرت شمشیر به این کارها نمی‌پردازد؛ بلکه گاهی از قدرت بیانی خود هم برای گسترش دین حق استفاده می‌کند:

جهانگیر گفتش که ای بی نظیر

بیا دین ایزد ز ما درپذیر

اگر درپذیری، دهم کام تو

سپارم به دستت دلارام تو

بیاورد ایمان به صدق آن جوان

به ذات خدای زمین و زمان

(همان: ۲۷۴)

جهانگیر در زمینه دعوت به خداپرستی تا جایی پیش می‌رود که حتی فرامرز نیز از او دستور می‌پذیرد؛ جالب اینکه در بین سخنان او کلماتی مانند ذوالجلال وجود دارد که از اصطلاحات خاص اسلامی است:

جهانگیر گفتا فرامرز را

که برگوی سالاراین مرز را

بدان تا گراید سوی راه حق

دل تیره‌اش گردد آگاه حق

دریغ است کاین مرد با فرویال

ندانند ره ایزد ذوالجلال

(همان: ۲۸۰)

زمانی که جهانگیر قصد بازگشت به ایران را دارد، مهم‌ترین دغدغه‌اش این است که هنوز مردم مغرب در بت‌پرستی باقی مانده‌اند و این موضوعی است که او نمی‌تواند تحمل کند (همان: ۳۰۴). جهانگیر از اینکه می‌بیند کسانی با وجود سن و سال زیاد نتوانسته‌اند راه خداشناسی را فراگیرند، هم تعجب کرده و هم آنان را سرزنش می‌کند

(همان: ۳۲۹). او غازی و کاووس، شاه غازیان است؛ زیرا کاووس شاه اظهار خوشحالی می‌کند که غازیان از راه رسیده‌اند و در واقع این جهانگیر بوده که مغرب را فتح کرده و راه خداپرستی و دین حق را در بین آنان ترویج کرده است (همان: ۳۳۶).

۸-۵. فرامرز در منظومه فرامرنامه

فرامرز هم از دیگر شخصیت‌هایی بوده که داستان‌های او با دعوت از کافران به خداپرستی گره خورده است. در فرامرنامه کوچک، این موضوع بیشتر به چشم می‌خورد و این بخش هم روی همین فرامرنامه تکیه دارد. دلیل دیگر این است که فرامرنامه بزرگ سروده شاعر زردشتی است و نقش پیامبرگونه در آن منظومه نمود چندانی ندارد (فرامرنامه بزرگ، ۱۳۹۴). فرامرز در راه خود، به شهر سرنج می‌رسد. مردم آنجا که بت پرست هستند، از او می‌خواهند که شراهریمنی به نام سنور را از آنان دفع کند و فرامرز به این شرط قبول می‌کند که آنان از بت پرستی دست بکشند و دین خدا را بپذیرند:

از آن پس چنین گفت کای رای زن

نخستین بتابید روی از شمن

به گیتی یکی جز خداوند نیست

که او را همی مثل و مانند نیست

بتان را همه خرد باید نخست

وزان پس ز دد کینه بایدت جست

(فرامرنامه، ۱۳۸۲: ۱۳۸)

و البته که آن مردم می‌پذیرند و همه بت‌هایشان را آتش می‌زنند و فرامرز آیین خداپرستی را به آنان می‌آموزد (همان: ۱۳۹). جالب است که پیران هند هم این کار فرامرز را تأیید می‌کنند و به او احسنت می‌گویند (همان: ۱۴۰).

پس از این واقعه، فرامرز به مناظرات خود ادامه می‌دهد؛ تا جایی که کید هندی را هم به خداپرستی دعوت می‌کند و او برهنه را برای مناظره با فرامرز فرامی‌خواند (همان: ۱۵۸). فرامرز با برهنه بزرگ به مناظره می‌پردازد و در نهایت، او را هم قانع می‌کند که خداپرستی را برگزیند. با پذیرفتن دین خداپرستی از جانب هندیان، داستان فرامرزنامه کوچک به پایان می‌رسد. در واقع تمام داستان تمهیدی است که فرامرز دین خداپرستی را به هندیان بقبولاند و موفق هم می‌شود؛ گویی فرامرزنامه، غزولنامه‌ای بیش نیست یا اینکه فرامرز پیامبری است که باید رسالت خود را به انجام برساند و چون به انجام می‌رساند، داستان تمام می‌شود.

۸-۶. منظومه زرین‌قبانامه

بیشترین دعوت‌های پهلوانان در منظومه‌های پهلوانی، به منظومه زرین‌قبانامه تعلق دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت تا حدودی مبنای بسیاری از نبردها در این اثر، دعوت به خداپرستی است. اگر قرار باشد فهرست و جزئیات همه خویش‌کاری‌های پیامبرگونه پهلوانان و گفت‌وگوها و وقایع داستان از این منظر در این منظومه بررسی شود، سخن به درازا خواهد کشید. به همین منظور، موارد مهم در این داستان به اختصار ذکر می‌شود.

۸-۶-۱ دعوت سلیمان نبی از کیخسرو

داستان زرین‌قبانامه با دعوت سلیمان از کیخسرو به خداپرستی آغاز می‌شود. نامه دعوت سلیمان را پهلوانی به نام زرین‌قبا، که از نوادگان رستم است، به درگاه کیخسرو می‌برد. سلیمان در نامه‌اش از کیخسرو خواسته بود که دین خدا را بپذیرد:

کنون است فرمان ما این چنین

به امر خدای زمان و زمین

گرایی اگر تو مر این دین پاک

که دیگر نماند تو را ترس و باک

همه راز گیتی بخوانم تو را

ز بیم و فزه و ارهانم تو را

(زرین‌قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۸۵)

کیخسرو معتقد است که او نیز یزدان پرست بوده و در این زمینه با سلیمان مصافی ندارد:

که من با سلیمان ندارم مصاف

نی‌ام پیش او بر سر کبر و لاف

(همان: ۱۸۷)

۸-۶-۲. خوبش‌کاری پیامبرگونه رستم

در مناظره رستم با سلیمان نبی، رستم ادعا می‌کند که دین یزدانی را گسترش داده است:

کسانی که بودند گمراه دین

که بودند با دین حق پرزکین

بسی بتکده گشت ویران ز من

زمین و زمان بود حیران ز من

(همان: ۲۳۳)

رستم در نبرد با جبارشاه نیز خطاب به شهبال می‌گوید که باید نامه‌ای به او

بنویسم و او را به راه خدا دعوت کنم:

نمایم بدو راه یزدان پاک

نگارنده آدم از آب و خاک

(همان: ۶۴۹)

۸-۶-۳. خویش‌کاری فریدون

کیخسرو در پاسخی که به سلیمان داده بود، ادعا کرده بود که نیای بزرگش یعنی فریدون دین بهی آورده و در راه یزدان پرستی با کافران بسیاری جنگیده است (همان: ۱۸۷). همین ادعا را بعدها مجدداً سیمرغ در مناظره با سلیمان نیز مطرح می‌کند:

فریدون فرخ به فرّ شهی

چه آمد بیاورد دین بهی...

فریدون به گیتی بسی کار کرد

به کفار بدکیش پیکار کرد

به یزدان پرستی کمر بسته بود

همه لشکر کفر از او خسته بود

(همان: ۲۳۵)

۸-۶-۴. خویش‌کاری پیامرگونه کریمان

کریمان، فرزند برزو و نبیره رستم، در نبردی که در شهر آچین دارد، وارد بتخانه شده و سر بت بزرگ یعنی لات را می‌برد و کشیشان و بت پرستان را از بین می‌برد. در این بخش، کشیش و بت پرست یکسان انگاشته شده‌اند و این موضوع در بسیاری از متون کهن نیز به همین شکل است که ترسایان و پیروان دیگر ادیان را بت پرست می‌دانسته‌اند. شیوه گزارش داستان و نوع رفتار کریمان، به گونه‌ای است که او چون پیامبری تصور شده که وظیفه‌اش دعوت دیگران به خداپرستی است. جایی که کریمان در پاسخ به نیای خود رستم می‌گوید:

کریمان بگفت: ای نیای گزین

روم سوی بتخانه امشب به کین

سربت به شمشیر سازم جدا

که دیگر نگویند او را خدا

(همان: ۶۲۹)

کریمان بعدها در ادامهٔ رسالت خود، بهرام پسر جبارشاه را نیز به خداپرستی دعوت می‌کند و او از دین پدر خود برمی‌گردد و مسلمان می‌شود (همان: ۶۴۶). نکتهٔ شایان توجه در این بخش از داستان، استفاده از واژهٔ مسلمان است که نشان‌دهندهٔ این است که شاعر، اعتقادات و خواسته‌های قلبی خود را از زبان این قهرمانان بیان می‌کند؛ به خصوص اینکه همهٔ آنچه از صفات خدا و بهشت و جهنم و مسائل دینی بر زبان پهلوانان جاری می‌شود، دقیقاً آن چیزی است که در فرهنگ اسلامی از آن‌ها سخن رفته است.

۹. نتیجه‌گیری

منظور از خویش‌کاری پیامبرگونه، نقشی است که از طرف پردازندگان یا سرایندگان داستان‌های پهلوانی برای قهرمانان ایرانی در نظر گرفته شده و آن، دعوت کافران به خداپرستی مطابق با عقاید حاکم بر فرهنگ اسلامی است. در این تعریف، پهلوان از رسالت اصلی خود که مبارزه با اهریمنان است، فراتر می‌رود و در نقش پیامبری دلسوز نشان داده می‌شود. هدف او از جنگ‌هایش، نه کینه و انتقام، بلکه دعوت به خداپرستی است. این نقش برای پهلوانان در شاهنامه خیلی کم‌رنگ است و پهلوانانی همچون کاوه یا رستم این نقش را ندارند. مهم‌ترین شخصیتی که نقش پیامبری در شاهنامه ایفا می‌کند، شخصیت گشتاسب بوده که در بخش شاهنامهٔ دقیقی (گشتاسب‌نامه) آمده است. او که شاه-پهلوان هم هست، برای اشاعهٔ دین زردشت سفر می‌کند و دو سال در زابل به تبلیغ و گسترش این دین می‌پردازد. همچنین در شاهنامه این نقش بیش از همه برای اسفندیار در نظر گرفته شده است و بسیاری از جنگ‌های او رنگ

مذهبی دارد. با آنکه اسفندیار صریحاً اعلام می‌کند که برای گسترش کیش زردشت تلاش می‌کند؛ اما در منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامه این دعوت به خداپرستی بیش از همه با روحیهٔ اسلام سازگار است.

در منظومه‌های گرشاسب‌نامه، کوش‌نامه، فرامرزنامه، جهانگیرنامه، سام‌نامه و زرین‌قبا‌نامه این نقش برای برخی از قهرمانان داستان تعریف شده است که دیگران را به خداپرستی دعوت می‌کنند. در منظومه‌هایی دیگر مانند کک کوهزاد، آذربیزین‌نامه، شهریارنامه، هفت منظومهٔ حماسی (بیزن‌نامه، کک کوهزادنامه، بیر بیان، پتیاره، تهمینه‌نامهٔ کوتاه، تهمینه‌نامهٔ بلند و رزم‌نامهٔ شکاوند)، برزنامه، شبرنگ‌نامه یا بانوگش‌نامه اشاره‌ای پررنگ به این دعوت به یکتاپرستی وجود ندارد.

در چند داستانی که بررسی شدند، شاید به خاطر زمانی که قهرمانان داستان در آن سپری می‌کنند، به نوعی راویان خود را ملزم می‌دانسته‌اند که نقش‌های هدایتی را برای قهرمانان خود ایجاد کنند؛ اما در داستان‌هایی مانند حماسهٔ مسیب‌نامه چون داستان در دورهٔ اسلامی بوده و هدف داستان غالباً در انتقام نهفته است، چنین نقشی برای قهرمان داستان پررنگ نیست.

دربارهٔ منظومه‌های پهلوانی که با نگرش خویش‌کاری پیامبرگونه سروده شده‌اند، چند نکته شایان ذکر است:

۱) وجوه شباهت خویش‌کاری پیامبرگونهٔ پهلوانان در منظومه‌های پهلوانی با غازیان آشکار است. غازیانی که وظیفهٔ خود را در نبرد با کفار می‌دانستند و اینکه با استدلال و زور شمشیر، آنان را به دین خدا دعوت کنند. این موضوع به خصوص در داستان جهانگیرنامه، سام‌نامه و زرین‌قبا‌نامه بیش از منظومه‌های دیگر آشکار بوده و از لفظ غازی نیز چند بار در متن برای خطاب پهلوانان استفاده شده است.

۲) نوع غازی بودن فرامرز در هند به احتمال قوی با نبردهای دینی در قرون سوم تا پنجم در این سرزمین بی‌ربط نیست.

۳) اینکه فرامرز و برخی پهلوانان در چند مرحله به مناظره دینی با برهمنان می‌پردازند، تأکیدی دیگر بر دینی‌بودن رسالت این پهلوانان است.

۴) آن‌چنان‌که برای پادشاهانی چون محمود غزنوی، دعوت به خداپرستی حربه‌ای برای آنان بوده تا دیگر سرزمین‌ها را تصرف کنند، گویا همین حربه را هم شاعران برای پهلوانان خود در نظر گرفته‌اند و از این رهگذر، هم قهرمانی‌های آنان را برجسته کرده‌اند و هم نگرش‌های خاص دینی خود را در قالب این داستان‌ها، با کردار آنان به انجام رسانده‌اند.

۵) در جهانگیرنامه گویی همه رسالت پیامبرانه دارند و همه جنگ‌ها برای گسترش دین الهی است. رستم، جهانگیر، فرامرز و حتی طوس چنین ادعایی دارند و این موضوع ناشی از نگرش شاعران و راویان این آثار بوده که در اصل داستان وارد شده است. در زرین قبانامه نیز همین نگرش برای زرین قبا، رستم یا فریدون تعریف شده است.

۶) کوش پیل‌دندان جنایت‌کاری است که بعدها توبه می‌کند و همگان را به خداپرستی دعوت می‌کند. نکته‌ای در شخصیت کوش پیل‌دندان وجود دارد و آن اینکه کوش، شخصیتی چندوجهی دارد. او بارها مردم را به بت‌پرستی و پرستش خویش فراخوانده است. این موضوع از آن جهت بیان شد تا اهمیت این بحث مشخص شود که کوش پس از انجام آن همه جنایت و دعوت مردم به پرستش خود، باز هم در پایان داستان، رسالت دعوت دیگران را به یکتاپرستی عهده‌دار می‌شود.

۷) در توصیفاتی که در سخنان قهرمانان داستان‌ها وجود دارد، مشخص است که

خدایی که آنان از آن سخن می‌گویند، همان خدایی است که در دین اسلام وجود دارد و مشخصات دینی هم که تبلیغ می‌کنند، با دین اسلام سازگارتر است. این سخنان همان انگیزه‌های شاعران هستند که مطالب خود را از زبان شخصیت‌های داستان بیان کرده‌اند.

منابع

۱. ابن حسام خوسفی، محمد بن حسام‌الدین. (۱۳۸۲). تازیان‌نامه پارسی (خلاصه خاوران‌نامه). به تصحیح حمیدالله مرادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲. ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۳۹۶). بطلال‌نامه (حماسه جعفر بن حسین ملقب به سید بطلال غازی). به تصحیح و تحقیق میلاد جعفرپور. تهران: علمی و فرهنگی.
۳. آذربزین‌نامه (۱۴۰۰). به تحقیق و پژوهش رضا غفوری. تهران: ققنوس.
۴. اژجانی، فرامرز بن خداداد بن عبدالله الکاتب (۱۳۶۲). سمک عیان. به تصحیح پرویز ناتل خانلری. ج ۵. چ ۵. تهران: نگاه.
۵. اسدی طوسی، علی بن احمد. (۱۳۸۹). گرشاسب‌نامه. به تصحیح حبیب یغمایی. چ ۲. تهران: دنیای کتاب.
۶. امیرحمزه صاحبقران (۱۳۹۴). تهران: ققنوس.
۷. ایرانشان (۱۳۷۷). کوش‌نامه. به کوشش جلال متینی. تهران: علمی.
۸. ایرانشاه بن ابی‌الخیر (۱۳۷۰). بهمن‌نامه. ویراسته رحیم عقیفی. تهران: علمی و فرهنگی.
۹. باذل مشهدی، میرزا محمد رفیع (۱۳۳۶). حمله‌نامه حیدری. [بی‌جا]: چاپخانه قم.
۱۰. بانوگشسب‌نامه (۱۳۸۲). سراینده ناشناس. مقدمه، تصحیح و توضیح روح‌انگیز کراچی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. بشیری، علی‌اصغر و علی‌محمدی (۱۳۹۴). «چهره پیامبران الهی در منظومه‌های پهلوانی». مجموعه مقالات هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. به کوشش زهرا حیاتی. تهران: انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی-پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۴۶-۶۱.

۱۲. بهرام پژدو، زرتشت (۱۳۳۸). زرتشت نامه. به تصحیح فردریک روزنبرگ. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: کتابخانه طهوری.
۱۳. جعفریان، رسول (۱۴۰۰). قصه خوانان در تاریخ اسلام و ایران. ویراست دوم. تهران: علم.
۱۴. حسن شاهی، الهام و محمدرشا نجاریان و مجید پویان (۱۳۹۷). «رویکردهای مذهبی و بنیادهای ایدئولوژیک در سام نامه». فصلنامه متن شناسی ادب فارسی (گهر گویا). دانشگاه اصفهان: سال پنجاه و چهارم. سال دهم شماره جدید. شماره چهارم (پیاپی ۴۰). صص ۲۱-۴۰.
۱۵. حسینی، حسین (۱۳۸۰). سام نامه (طومار نقالی). تهران: نمایش (انجمن نمایش).
۱۶. حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۸۰). ظفرنامه؛ قسم الاسلامیه (ج ۱: احوال رسول الله (ص)). مقدمه، تصحیح و توضیح مهدی مدائنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۳). رجوع شود به مقدمه؛ فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). شاهنامه (ج ۲). پیراسته جلال خالقی مطلق. تهران: سخن.
۱۸. خسرو کیکاووس (۱۳۸۶). فرامرنامه. به تصحیح میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.
۱۹. راجی کرمانی، بمانعلی (۱۳۸۰). حمله حیدری. به تصحیح یحیی طالبیان و محمود مدبری. کرمان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کرمان.
۲۰. ربیع (۱۳۸۹). علی نامه. به تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۲۱. رزمجو، حسین (۱۳۸۸). در قلمرو ادبیات حماسی ایران. ج ۱. چ ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲۲. رستم‌نامه (۱۳۸۷). به تصحیح سجاد آیدنلو. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
۲۳. رضایی، اسماعیل (۱۳۹۱). «غزوه یا غزوات». دایرةالمعارف تشیع. (ج ۱۲). زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی. کامران فانی. بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
۲۴. زجاجی (۱۳۹۰). همایون‌نامه (۲مجلد: نیمه نخست). به تصحیح علی پیرنیا. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۲۵. زرین‌قبا‌نامه (۱۳۹۳). سراینده ناشناس. به تصحیح سجاد آیدنلو. تهران: سخن.
۲۶. سام‌نامه (۱۳۹۲). به تصحیح وحید رویانی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۲۷. سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۶). «بازشناسی بقایای افسانه گرشاسب در منظومه‌های حماسی ایران». نامه فرهنگستان. ش ۱۰. صص ۵-۳۸.
۲۸. شبرنگ‌نامه (۱۳۹۵). سراینده ناشناس. به تصحیح ابوالفضل خطیبی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
۲۹. صداقت‌نژاد، جمشید (۱۳۷۴). طومار کهن شاهنامه فردوسی. تهران: دنیای کتاب.
۳۰. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۹). حماسه‌سرایی در ایران. چ ۹. تهران: امیرکبیر.
۳۱. طرسوسی، ابوطاهر بن حسن (۱۳۹۵). حماسه قران حبشی. تصحیح. مقدمه و تعلیقات میلاد جعفرپور. ۲ ج. تهران: علمی و فرهنگی.
۳۲. طرسوسی، ابوطاهر بن حسن (۱۳۹۸). حماسه مسیب‌نامه (پیش‌درآمد ابومسلم‌نامه، حماسه بزرگ آسیای میانه از محمد بقای وارس بخاری و تحریر کوچک از ابوطاهر طرسوسی). به تصحیح میلاد جعفرپور. ۳ ج. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

۳۳. عابدی، محمود (۱۳۹۰). «سام‌نامه، گوینده، زمان و حوزه پدید آمدن آن». ارج‌نامه ذبیح‌الله صفا. به‌کوشش سید علی آل داود. تهران: مؤسسه میراث مکتوب. صص ۴۸۵-۵۰۴.
۳۴. عطاء بن یعقوب، خواجه عمید (۱۳۸۲). برزنامه به انضمام داستان کک کوهزاد. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۵. غفوری، رضا و محمدرضا امینی (۱۳۹۳). «بررسی عناصر دینی و اندیشه‌های عرفانی در حماسه جهانگیرنامه». فصلنامه کاوش‌نامه. س ۱۵. ش ۲۸. صص ۲۹۳-۳۱۶.
۳۶. فرامرزنامه (۱۳۸۲). سراینده ناشناس. به‌اهتمام مجید سرمدی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۷. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. به تصحیح جلال خالقی مطلق. ج ۸. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۳۸. فضل‌الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۹۲). جامع‌التواریخ (ج ۱: تاریخ ایران و اسلام). به تصحیح و تحشیه محمد روشن. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۳۹. محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۶). ادبیات عامیانه‌ی ایران (مجموعه مقالات). به کوشش حسن ذوالفقاری. چ ۳. تهران: نشر چشمه.
۴۰. مختاری غزنوی، عثمان (۱۳۷۷). شهریارنامه. به تصحیح غلامحسین بیگدلی. تهران: پیک فرهنگ.
۴۱. مشکین، حسین‌بابا (۱۳۸۶). مشکین‌نامه (طومار نقالی). به‌اهتمام داود فتحعلی‌بیگ. چ ۲. تهران: نمایش (وابسته به مؤسسه انجمن نمایش).
۴۲. نایگلی، محمدشریف (۱۳۹۶). طومار جامع نقالی شاهنامه. به تصحیح فرزاد قائمی. مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

۴۳. نثر نقالی شاهنامه (۱۳۹۴). مقدمه، به تصحیح و توضیح رضا غفوری. شیراز: سیوند.
۴۴. نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۱۷). اقبال‌نامه. به کوشش وحید دستگردی. تهران: چاپخانه ارمغان.
۴۵. نوری اژدری، نورالدین بن محمد (۱۳۸۰). غازان‌نامه منظوم. به کوشش محمود مدبری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۴۶. هراتی، ابوالقاسم (۱۳۸۰). جهانگیرنامه. به کوشش ضیاءالدین سجادی. با مقدمه مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران-مؤسسه مطالعات اسلامی.
۴۷. هفت‌لشکر- طومار جامع نقالان از کیومرث تا بهمن (۱۳۷۷). ناشناس. به تصحیح مهدی مدائینی و مهران افشاری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۸. هفت‌منظومه حماسی (۱۳۹۴). به تصحیح و تحقیق رضا غفوری. تهران: مؤسسه میراث مکتوب.
۴۹. یادگار زریبان: متنی حماسی از دوران کهن (۱۳۹۲). برگردان ژاله آموزگار. تهران: معین.

